

سناپ غزنوی: شاعر قرن ۶ هجری قمری است. کتابهای او شامل کارنامه‌ی بلخ، حقیقه‌نامه (مکتب) و سیر العباد الی لعماد است.

تلمیح: در لغت به معنای به گوئی جمع نماند کردن است. رزمایی است که نویسنده در نوشته خود آیه و حدیث و آیاتان مهدوی اشاره کند.

استعاره: همان تشبیه است که صبه یا صبه به آن حذف شده باشد یا استعاره از لغتی

به جای لغت دیگر برای زیباتر شدن شعر مثال: گریه ابرهاری \leftarrow ابرهاری مانند انسان گریه کند
صند الی تشبیه صبه و صبه

تشبیه: مانند کردن کسی یا چیزی به یکدیگر است. ارکان تشبیه: صبه، صبه، ادات تشبیه، وجه

۱- صبه: کلمه ای است که آن را به کسی یا چیزی تشبیه می کنند.

۲- صبه به: کلمه ای است که به صبه تشبیه می شود.

۳- ادات تشبیه: کلمه ای است که صبه و صبه بلا وجه وصل می کند.

۴- وجه تشبیه: صفت یا ویژگی مشترک بین صبه و صبه است.

ملک ابد القاسم فردوسی: شاعر نامی ایران در قرن چهارم هجری قمری است که در سرودن حماسی و

به دنیا آمد. تنها اثری که از زودی باقی مانده است شانه است. شانه حاد صفتی است
است قالب شانه صفتی است.

صفتی: قالبی از سفارسی است که دارای ابیات زیاد است و برای بودن داستانها و
ابیات طولانی کاربرد دارد. در این قالب حریب دارای هائیه ای جدالانه است.

یعنی شعر به نام خداوند جان و خرد است

۱- شعر رباب نام خالق و آفریننده ی جان آغاز می کند که فکر انسان به چیزی بهتر از آن
نرسد (مراعات نظیر: جان و خرد و اندیشه) (واج آرای: حرف زرد)

مراعات نظیر: آوردن واژه هایی از یک دسته د یا هم هماهنگی دارند این هماهنگی می تواند از نظر
جنس، نوع، مکان، زمان و یا همراهی باشد.

واج آرای: تکرار یک یا چند صامت یا صفت حرر به گونه ای که آغز شده ی صوتی باشد.

۲- خداوند که مالک اسم و مالک مکان است و روزی دهنده و راهنمای هدایت ها است:
(تکرار: خداوند) (واج آرای: صفت - صامت خ)

تکرار: آرایه ای که در آن یک یا چند کلمه چند بار در شعر تکرار شوند به گونه ای که مایه زیبایی شعر شود.

۳- خداوندی که آسمان پر خنده با تمام سیاره‌های ماه شده ماه و ماهی و خورشید پیرمان او روشن کرده است. (ترکیب و صنی: مخلوب: کردن بهی) (مرامات نظیر: کونک: سپهر، ماه، نامیب: صبر)

ترکیب و صنی: مخلوب: همراه جایی صفت و صومند با هم تغییر آمد و اسره بین این ترکیب صفت شود، ترکیب و صنی: مخلوب است.

۴- با چنان ظاهری خود تهرای دین آفریدگار را نداری پس خود را آزار نده زیرا خداوند را با چشم دل باید بینی.

۵- فکر و اندیشه‌ی انسان نمی‌تواند شافی از خداوند داشته باشد زیرا خداوند بزرگتر از اندیشه مادی انسان است.

۶- هیچکس نمی‌تواند خداوند را آن گونه که شایسته است شایسته کند پس باید برای خدمت به خداوند همت و تلاشی زیادی داشته. (جناس: هت و بت)

۷- انسان دانا قادر به انجام هدی کارهاست و با دانستی حتی دل انان پیر هم جوان می‌شود. (تلمار: بُود) (مرامات نظیر: توانا، برتا، دانا) (تضاد: پیر و برتا)

ترکیب وصفی: در ترکیب، هر صفت و صفت به یک سرجمع قرار می‌گیرند.

۱- سعدی شیرازی: شاعر قرن هفتم هجری قمری است که اثری که آنها به نام های بوتان و

لستان و دیوان سون که شامل نزهات، قطعات، رباعیات، ترجیع بند و قطعات آموخته از

ون - یادگار ماندگار است. در بیان یا سعدی نام - نخستین اثر سعدی است که در قالب شعری و در باب

سویه شده است. لستان سعدی نظم آموخته به نثر که دارای نثری آموخته است لستان در ۵ باب

و در حکایت های انلان و آری لکانه شده است.

معنی "سر آفرینی همه تنبیه خداوند دل است" ص ۳۳ - دبی اول -

۱- زمانی که صفت سب در روز یکسان است، روشن به صرا و قاشای زیبا یا های بهار لذت یعنی

است. [با صداد: اول صبح] [تعداد: لیل و نهار] [جایی: نهار و باری] [اغازه امثله: دایم معرا]

۲- تمام پدیده های هستی برای هدیه کردن انسان های فرودست و کسی که با نام این نمانده

خوارند از انظار کنده بی احساس و نامهربان است. [تنبیه: بیار کردن - آفرینی: بصری - خدایه

دل: صاحب فرد] [تعداد: خداوند، نهار، دل] (همه صمیم: کسی که)

۱- با این همه نفس و شمار کجیب که در عالم هستی وجود دارد، اگر کسی بخالت آن دعا کند نلذ مانه

فتاوی (وی دیوار لبی جان است) [نفس کجیب: نشو و نماهای بیب - کدلت: ننگه] (ارو دیوار:

مرامات نظیر) (جاس ناقص: برودر) (اضار: ^{و آبجی}) دیوار وجود)

۲- تمام آسمان ها و زمین و هر آنچه در آن عالم است، خداوند را ستایش می کنند اما هر سئوفا می این

را فرادک نمی کنند. [تسبیح: تسلی - صتغ: سونف] (مرامات نظیر: کوه دریا و در مکن) (تلمیح:

آیه بی سو اسراء)

۳- آیا خبرداری که پرندهانی که سرگرد آوازی خوانند می گویند ای که خوابید ای سر از خواب نادانی

بردا و آگاه باشی. (تجسین: مرغان سر میزند) (مرامات نظیر: خواب و سر و دست) (افان: تیس: خبر بدالت)

۴- تاکی مانه، بنفشه، همه خود را در عظمت به سر می بوی، حیف است که تو تمام همه خود را در بی خوبی

هستی و گل نری، آگاه و بیدار است. (مرامات نظیر: بنفشه و زری) (قصه: خواب و بیدار) (تجسین: لوسا) (افان: نظیر: ^{بناست: برودر})

۵- در ادبیات فارسی، بنفشه ناد مغفک و گل نری ناد آگاهی و بیداری است. خاطر نظر سانه یکسان

۶- چلی می تواند از چوب، صید، های زنگارند، قولیه کند و یا پومی می تواند از بون خله، علی بارک های زیاد

بازد. [الوان: زنگارند] (مرامات نظیر: صید، چوب برده حد) (نفسه: گل و غار) (استفهام: انگاری)

(ضمیمه: ک)

* ۸- عقل از زیبایی های خدایی ملائک انور، سلفت زینم شود و از دور زیبایی دانه های اندک که

مانند یا قدرت گران بسیار صدوتیغ حواصرت است ، نادان است . [حقه : منوقتو بد اولوت - زینم : ظنی

عجب : انور - حیرت : سلفت و نه] (مرایات نظیر: عجب، خفته ، المار) (و منی: خوشه زینم) (افغانی: خدایقت) (لمانی: یا قدرت اند)
 افغانی تشبیه

۹- خداوند پاک و مغزه است که به فریان او ، ماه و خورشید و شب در روز ، فریابردار او هست . [صغف: نام شده]

۱۰- اگر همه ی مردم تا روز قیامت از لطف و کرم او سخی بگویند ، باز هم از هزاران لطف در رحمت خداوند

یکی بکم نمی توان بیان کرد .

۱۱- خدایا نعت های که به مادادی بی شمار است و هیچ کس ندانای نه تواند قدر دان نعت های بدیدد .

[انعام : نعت ما]

۱۲- ای سعدی ، انسان های در شکل به سعادت و خوشبختی میرسند ، تو هم انسانی در شکل و با شکوه زیر آسمان

بد رفتاری به هدف و مقصودش نمیرسد .

اسرار التوحید: یکی از ۱۳۱ سال پس از مرگ ابو سعید ابوالخدیج توسط یکی از نوادگان ارب

نام محمد بن الهندی ، نگاشته شد که در ۳۱ باب است که نویسنده در باب دوم به احوال ابو سعید ابو الخدیج
پرداخته است .

قصیده: قالب شعری است که صمد اول در بیت اول با صمد هفتم دوم هفتم بیت ها
مع قافیه است.

اشعار حلی صوائف: اشعار که در آن، سار به بند و نصیحت خواننده می پردازد.

۱- بناس طام: دو کلمه از لحاظ حرف با هم کاملاً یکسان اند، اما از لحاظ معنی متغیرت اند.

۲- جناس ناقص: در جناس ناقص، دو کلمه هم از لحاظ معنی و هم از لحاظ یکی از حرف، با هم متغیرت اند.

ضمیر صمیم: ضمیرات که به شخصی یا متعار مبینی دلالت می کند

استفهام انکاری: اگر شاعری پیامی را به صورت پرسش بیان کند به گونه ای که منتظر جواب نباشد بلکه
به منظور ایجاد تأکید از سؤال استفاده نماید.

کلیات سعادت: آری است درباره ای اصول اسلام که دارایی شرکین است و جملات آن بسیار باره

دروان است و از دید دینی همانان، کوتاهی جمله است، زیاده فعل ما و تکرار فعل ملوکانه حال در (مترجم)

معنی کلمات درسی (۲)

صنوع: آفرینی	نباتات: گیاهان گوناگون	برد و بعد: شک و دریا
صنوع: ابر	توسن مزج: زینگی گمان	باط: فرس